

تحلیل معرفت‌شناسی اگزیستانسیالیسم و استلزامات تربیتی آن در نظام آموزش از دور (با تأکید بر آموزش مجازی)

محمدرضا سرمدی*^۱، مرجان معصومی فرد^۲

۱. استاد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام‌نور

۲. استادیار، برنامه‌ریزی آموزشی از راه دور، دانشگاه پیام‌نور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۸

Epistemological Analysis of Existentialism and Its Educational Implications in Distant Education System (With Emphasis on Virtual Education)

M.R. Sarmadi*¹, M. Masoomifard²

1. Professor, Philosophy of Education, Payame Noor University

2. Assistant Professor, Education Distance Planning, Payame Noor University

Received: 2018/04/17 Accepted: 2018/06/18

Abstract

Among many of philosophical issues, Epistemology is always one of the most important pillars of thinking about the system of education, because education always deals with the recognition and discovery of reality. The purpose of this research is to study the epistemology of existentialism school and its educational implications in the distance education system (virtual). This research uses a descriptive-analytical method to collect library information, including identifying, studying, classifying information, analyzing them and aggregating information about knowledge in the existentialism, and then introducing its educational implications in virtual education. The results of this study showed that though knowledge of existentialism does not contain one-handed thoughts, this school has implications to gain knowledge in distance education system (virtual). such a way, with the emphasis on serving human beings, it seeks to grow and expand one's consciousness and independence. Also, in educational methods, it emphasizes flexible methods in curriculum design, and also this school considers teachers as a guide and learner as an active person in virtual education and, accordingly, in evaluation of acquisition Knowledge has a qualitative approach. Therefore, it is suggested that distance education practitioners, using the considerations mentioned in this school, plan in order to create more flexibility in acquiring knowledge in virtual education.

Keywords

Epistemology, Existentialism, Distance Education, Virtual Education.

چکیده

از میان مباحث فلسفی، معرفت‌شناسی، همواره یکی از مهم‌ترین ارکان اندیشیدن درباره نظام تعلیم و تربیت است؛ چرا که تربیت همواره با شناخت و کشف واقعیت سروکار دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی معرفت‌شناسی مکتب اگزیستانسیالیسم و استلزامات تربیتی آن در نظام آموزش از دور (مجازی) است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، شامل شناسایی، مطالعه، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل آنها و جمع‌بندی اطلاعات در خصوص معرفت در دیدگاه اصالت وجود پرداخته و سپس دلالت‌های تربیتی آن را در آموزش مجازی مورد توجه قرار داده شامل حاوی اندیشه‌های یک دست نیست؛ اما این مکتب برای کسب معرفت، دلالت‌هایی برای نظام آموزش از دور (مجازی) دارد؛ به گونه‌ای که در حوزه اهداف، با تأکید بر خدمت به انسان، به دنبال رشد و گسترش آگاهی فرد و استقلال اوست؛ همچنین در بحث روش‌های تربیتی، بر روش‌های انعطاف‌پذیر در طراحی برنامه درسی، تأکید دارد. این مکتب مربی را به عنوان راهنما و یادگیرنده را به عنوان فردی فعال، در آموزش مجازی مدنظر قرار می‌دهد و بر این اساس در ارزیابی از کسب معرفت، رویکردی کیفی دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران آموزش از دور با بهره‌گیری از نکات قابل تامل ذکر شده از نظر این مکتب به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند تا انعطاف‌پذیری بیشتری در کسب معرفت در آموزش مجازی ایجاد شود.

واژگان کلیدی

معرفت‌شناسی، اگزیستانسیالیسم، آموزش از دور، آموزش مجازی.

* نویسنده مسئول: محمدرضا سرمدی

ایمیل نویسنده مسئول:

*Corresponding Author: sarmadi@pnu.ac.ir

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت از آغاز تاکنون همواره با معرفت سروکار دارد. در واقع معرفت‌شناسی به ایجاد بستری فلسفی می‌پردازد که در قالب آن مشخص می‌شود چه نوعی از دانش امکان حصول دارد و اینکه چگونه می‌توان مطمئن شد آنها برای ورود به زندگی انسان‌ها و آشنایی با الگوهای اجتماعی، مناسب و درست هستند (رضایی، پاک سرشت، ۱۳۸۷ و بلیکی، ترجمه حسنی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ از این رو معرفت‌شناسی به عنوان پایه هر گونه دانایی همواره با مفهوم یادگیری گره خورده و مورد توجه متخصصان نظام آموزش و پرورش در جهان است.

در آستانه قرن بیست و یکم، گسترش روندهای روبه رشد فناوری و به کارگیری گسترده تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و ظهور جوامع فراصنعتی، رویکردهای معرفت نیز تا حدودی دچار تغییراتی شده است (ازپولات و آکار، ۲۰۰۹)؛ چرا که دیگر نمی‌توان با وجود اینترنت، رایانه‌ها و فضای مجازی، فقط با طرز تلقی گذشته و رویکردهای سنتی (آموزش چهره به چهره) به فرایند تربیت نسل جوان اندیشید؛ زیرا در عصر اطلاعات و ارتباطات، نظام یاددهی - یادگیری و روش‌های آن نیز متحول شده است. در این راستا، نظریه‌های متفاوتی بر یادگیری تأکید کرده‌اند و در نظام‌های تعلیم و تربیت دنیای امروز با استقبال زیادی روبرو شده‌اند (عابدینی بلترک و نیلی، ۱۳۹۳).

با توجه به آنچه ذکر شد مسئله پژوهش حاضر آن است که با رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات و ظهور نظریه‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت جهان، به نظر می‌رسد متخصصان تربیتی در همه نظام‌های آموزشی از جمله آموزش از دور (مجازی) درباره نحوه کسب معرفت با پرسش‌ها و دغدغه‌های جدی مواجه هستند. یکی از مهم‌ترین این دغدغه‌ها آن است که با توجه به ظهور نظریه‌های متعدد درباره معرفت، در قرن حاضر، معرفت در نظام‌های آموزشی چگونه شکل می‌گیرد؛ بر این اساس تحلیل معرفت‌شناسی از دیدگاه مکتب اگزیستانسیالیسم و دلالت‌های آن برای کسب معرفت در آموزش مجازی مورد توجه پژوهش حاضر است تا از این طریق، بتوان راهکارها و پیشنهادهایی مناسب برای دست‌اندرکاران آموزش مجازی در حوزه معرفت‌شناسی ارائه کرد. بر اساس هدف ذکر شده، مقاله حاضر به دنبال ارائه پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. اهداف آموزش و پرورش در دیدگاه اگزیستانسیالیسم چیست و دلالت‌های آن برای آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟
 ۲. روش‌های تربیتی در دیدگاه اگزیستانسیالیسم کدام است و دلالت‌های آن برای آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟
 ۳. جایگاه برنامه درسی در دیدگاه اگزیستانسیالیسم چیست و دلالت‌های آن برای آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟
 ۴. جایگاه یاددهنده و یادگیرنده از دیدگاه اگزیستانسیالیسم در آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟
 ۵. جایگاه نظام ارزشیابی در دیدگاه اگزیستانسیالیسم و دلالت‌های آن برای آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟
- بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد هر مکتب فلسفی در پی آن است که مبانی معرفت‌شناسی خود را مستحکم‌تر از دیگر مکاتب تبیین کند (رضایی، ۱۳۸۷) و سهم بیشتری از نظام‌های تعلیم و تربیت کسب نماید. با توجه به آنچه ذکر شد نظام تعلیم و تربیت شکل گرفته بر اساس ویژگی‌های عصر صنعتی و فراصنعتی در قرن بیستم یکم که آموزش مجازی نام دارد، در دهه‌های اخیر با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات، به عنوان یک نظام آموزشی انعطاف‌پذیر در زمان و مکان یادگیری، شانس دومی را به افرادی می‌دهد که به شیوه‌های سنتی قادر به ادامه تحصیل نیستند (معصومی‌فرد، ۱۳۹۵). این نظام آموزشی با تکیه بر رویکردهای معرفت‌شناسی جدیدی که به کسب معرفت توسط یادگیرندگان به صورت انفرادی یا اجتماعی اشاره دارد، روز به روز با استقبال طیف بیشتری از مردم رو به رو شده است (عابدینی بلترک و نیلی، ۱۳۹۳).
- یکی از این رویکردها که مورد توجه پژوهش حاضر نیز می‌باشد، معرفت اگزیستانسیالیستی است. متفکران این فلسفه، گرچه در بسیاری از موارد اشتراک نظر ندارند؛ ولی به لحاظ فلسفی اغلب وجود را بر ماهیت آن مقدم می‌دانند و در این اعتقاد مشترک هستند که هر فردی، نخست وجود دارد یعنی ناخوانده در صحنه‌ی گیتی حضور می‌یابد و سپس آزادانه معنی و ماهیت خود را می‌آفریند و این انتخاب آزادانه، مسئولیت را نیز در پی خواهد داشت؛ بنابراین هیچ‌گونه حقایق کلی، قواعد مطلق یا سرنوشت نهایی نیست که هادی انسان باشد (سارتر، ۱۳۸۶)؛ بلکه یادگیرنده به منظور کسب معرفت، فعال است و دست به انتخاب می‌زند (عبداله یار، ۱۳۸۷). در واقع فعال بودن یادگیرنده در کسب معرفت، دلالت‌های مهمی برای نظام تعلیم و تربیت دارد؛ در این راستا نتایج پژوهش قلتاش و بسارده

واقع‌گرا است و در نهایت می‌توان گفت همانگونه که فرهنگی (۱۳۶۶) نیز در پژوهش خود با عنوان اگزیستانسیالیسم و آموزش و پرورش که با هدف دلالت‌های تربیتی این مکتب برای نظام آموزشی انجام شد، اذعان داشته، اگر چه فلسفه اگزیستانسیالیسم، به اعتقاد عده‌ای، فلسفه‌ای بدبینانه است؛ اما می‌توان گفت بیش از هر فلسفه دیگری، در عصر حاضر، مشکلات اجتماعی و انفرادی انسان‌های جوامع پیشرفته را تشخیص داده است. حال اگر راهی نشان نداده که چگونه این سنگ‌های بزرگ را از پیش پای برداریم، گناه از آنان نیست که مشکلات را مطرح کرده اند؛ بلکه بر ماست که راهی بیابیم و از آزادی فطری خویش به عنوان انسان استفاده کرده و چرخ را بر مراد خویش بگردانیم.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است و از لحاظ نوع تحقیق، بر مبنای هدف نظری و روش آن، توصیفی-تحلیلی است. لازمه تحقیقات کیفی، شناسایی منابع مربوط به موضوع تحقیق، مطالعه متون، درک معنای متن و استخراج مطالب مورد نظر از این منابع، ایجاد ارتباط میان مطالب و توصیف و تحلیل آنها و بحث و نتیجه‌گیری از اطلاعات جمع‌آوری شده است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و شامل شناسایی و مطالعه منابع علمی موجود، از جمله مقالات و کتاب‌هایی که در زمینه معرفت در دیدگاه اگزیستانسیالیسم، به ویژه در ارتباط با آموزش مجازی نوشته شده‌اند و فیش‌برداری، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های گردآوری شده و پاسخ به سوالات تحقیق است.

تجزیه و تحلیل نتایج

برای پاسخ به پرسش اول پژوهش مبنی بر آنکه «اهداف آموزش و پرورش در دیدگاه اگزیستانسیالیسم چیست و دلالت‌های آن برای آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود» می‌توان گفت اهداف تربیتی، این مکتب فکری بر یادگیرنده متمرکز است؛ همانگونه که آموزش مجازی نیز بر یادگیرنده متمرکز دارد؛ بنابراین مکتب اگزیستانسیالیسم به دنبال آن است که خودآگاهی و مسئولیت را در یادگیرنده پرورش دهد؛ زیرا از این راه است که شاگرد به تنهایی می‌تواند در خود تشخیص، ایجاد کند؛ چرا که مسئولیت آموزش و پرورش هر کسی بر عهده خود اوست. نظام آموزش از دور

(۱۳۹۶) با عنوان اگزیستانسیالیسم و تاثیر آن بر تعلیم و تربیت حاکی از آن است که مکتب اگزیستانسیالیسم به دنبال آن است که انسان ماهیت و یا وجود خود را بسازد و دلیل پیروان این مکتب در نظام آموزشی سعی می‌کند مفاهیم انتزاعی را به صورت ملموس و قابل درک ارائه دهند تا یادگیرنده فعال شده و معرفت خود را ایجاد نماید. طاهری و قولی گله (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود با عنوان فلسفه آموزش و پرورش از منظر مکتب اگزیستانسیالیسم که با هدف تاثیر مکتب اصالت وجود بر نظام تعلیم و تربیت انجام شد، نشان دادند علی‌رغم تاریخ کوتاه مدت ظهور این نظریه در نظام‌های تعلیم و تربیت و با اینکه رویکرد یادشده، فلسفه نظام داری نیز نبوده است؛ اما برای طرح مسائل مربوط به نظام تعلیم و تربیت در قرن حاضر دلالت‌های مهمی داشته است. همانگونه که ذکر شد، فعال بودن یادگیرنده یکی از این دلالت‌های تربیتی است. فعال بودن یادگیرنده زمانی رخ می‌دهد که محتوای تربیتی، مورد نیاز شاگرد باشد. پژوهش ابوترابی (۱۳۹۴) نیز که با عنوان عنوان نیم‌رخ کلاس درس از دیدگاه هایدگر انجام شد، حاکی از آن بود که یادگیری زمانی صورت می‌گیرد که بر محتوای تربیتی مورد نیاز یادگیرنده برای فعال بودن او تاکید داشته باشد؛ بنابراین معلم از منظر هایدگر، هنرمندی است که کار هنری چون تدریس ارائه می‌کند. برنامه درسی نیز شامل تمام مطالبی است که بر مبنای رابطه فراگیر با خود و سایرین بستگی دارد؛ بنابراین برنامه درسی می‌تواند شامل تمام موضوعاتی باشد که به شناسایی جهان و افراد پیرامون یادگیرنده به عنوان عناصر دخیل در ساخت معرفت وی می‌پردازد؛ همچنین ارزش‌یابی نیز از منظر هایدگر، با آگاهی یاددهنده از پیش داشت، پیش دید و پیش پرداخت برای تشخیص میزان فهم یادگیرنده صورت می‌گیرد؛ بنابراین اگزیستانسیالیسم، در تقابل با عصر ماشینی و ارزش‌یابی استاندارد شده، به دنبال کیفی کردن ارزش‌یابی است.

پژوهش‌های بسیار دیگری نیز مسئولیت‌پذیری یادگیرنده در مکتب اگزیستانسیالیست تاکید می‌کنند؛ در این راستا پژوهش مقیمی عراقی (۱۳۹۱) که با هدف تبیین مفهوم مسئولیت‌پذیری در مکتب اگزیستانسیالیسم و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت انجام شد نشان داد که مکتب یادشده با محور قرار دادن یادگیرنده به واسطه مسئول بودنش در قبال خود، دیگران و جهان، وی را در انتخابی آگاهانه، آزاد و ارادی، در نوع و شیوه تعلیم و تربیت، مختار گذاشته است که آثار آن بر پرورش انسان‌هایی خلاق، دوراندیش، هشیار، انتخاب‌گر و

نیز در اهداف خود به دنبال آن است که فرد مسئولیت یادگیری خود را بپذیرد و فعالانه معرفت را در خود شکل دهد. از این رو در هر دو رویکرد، اهداف آموزشی چون رتبه‌بندی، نخبه‌پروری و طبقه‌بندی کردن شاگردان جایی ندارد؛ چرا که مانع از رشد فردی یادگیرنده می‌شود (عسگری زاده و میری، ۱۳۹۶).

همچنین از نظر پیروان این مکتب با اینکه شاگرد درباره آمدن به این دنیا حق انتخابی نداشته است؛ اما راهی که برای زندگی طی می‌کند و انسانی که قرار است بشود، حاصل انتخاب‌های اوست. سارتر می‌گوید همواره با این انتخاب مواجه هستیم که چه آدمی قرار است بشویم و با این نوع انتخاب کردن، وجود داشتن هرگز به پایان نمی‌رسد. او حق انتخاب آزاد را برای انسان ضروری می‌داند (وارنوک، ترجمه کاظمی، ۱۳۸۸). آموزش مجازی نیز به دلیل انعطاف‌پذیری فراوان، همواره برای افراد، حق انتخاب آزاد را قائل است تا یادگیرندگان، با انتخاب‌هایی که مورد علاقه و نیاز آنهاست بتوانند برای توسعه فردی خود، راه مناسب را انتخاب کرده و آن را طی کنند.

علاوه بر آنچه ذکر شد آموزش و پرورش اگزیستانسیالیستی به فردیت یادگیرنده توجه می‌کند و ایشان را چنان بار می‌آورد که ضمن شناخت خود، ارزش واقعی وجود خود را دریابند (همان منبع: ۶۸). در واقع در این مکتب همگام با نظام آموزش از دور، فردیت بی‌همتای شاگرد مورد توجه آموزش و پرورش قرار می‌گیرد. این مکتب تلاش می‌کند تا از تعیین اهداف استاندارد که برای همه یکسان است، خودداری کند و رویکرد انسان‌گرایانه‌ای را نسبت به یادگیرندگان اتخاذ کند.

همچنین قابل ذکر است، مسئولیت‌پذیری نیز یکی دیگر از اهداف آموزش و پرورش اصالت وجودی است؛ چرا که این مکتب اعتقاد دارد امتیاز انسان نسبت به سایر موجودات، توانایی انتخاب اوست؛ بنابراین چون او در انجام انتخاب‌های خود، تصمیم‌گیرنده است؛ لذا انسان مسئول است؛ همچنین از نظر مکتب اصالت وجودی هیچ قالب و چارچوب قبلی وجود ندارد که انسان خود را درون آن بریزد و شکل دهد؛ بلکه فرد در ارتباط با دیگران باید از استقلال فردی برخوردار باشد و چنانکه هست، خود را نشان دهد و موجب اعتمادی شود که از آن به هویت فردی به معنای واقعی کلمه دست یابد (مقیمی عراقی، ۱۳۹۱).

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش مبنی بر آنکه «روش‌های تربیتی در دیدگاه اگزیستانسیالیسم کدام است و دلالت‌های آن برای آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟» می‌توان گفت اگزیستانسیالیست‌هایی مانند سارتر از روش‌های تربیتی جبرگرایانه و غیرمنعطف که انسان را در حد مجموعه‌ای از غرایز و انگیزه‌ها پایین می‌آورند و آزادی و انتخاب وی را نادیده می‌گیرند انتقاد کرده‌اند و بر این موضوع اصرار دارند که فرد باید خودش مفهوم خود و خودپنداره خویش را بیافریند (شکوهی، ۱۳۸۷).

بنابراین مکتب یادشده در روش‌های تربیتی خود تلاش می‌کند، شاگرد را ترغیب نماید تا از طریق سوالاتی درباره معنای زندگی به حقیقتی شخصی دست یابد و از این راه موجبات «اشتداد آگاهی» او را فراهم می‌سازد. این نحله فلسفه در روش‌های تربیتی خود بر یادگیری‌های موقعیتی تاکید دارد تا شرایطی را فراهم کند که شاگردان بتوانند برای تحقق من در حال تکوین خود، دست به انتخاب‌های فردی زده و مفهوم خویش را ایجاد و ابراز کنند (مک کواری، ترجمه حنایی کاشانی، ۱۳۸۷).

در آموزش مجازی نیز با توجه به اینکه افراد ثبت نام کننده در این نظام، دارای تجارب متفاوتی هستند؛ بنابراین استفاده از روش‌های تربیتی مبتنی بر یادگیری موقعیتی مفید به نظر می‌رسد؛ چرا که کلیه یادگیرندگان، توان دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات را دارند؛ بنابراین می‌توانند خودشان با روش‌های متنوعی برای تحقق معرفت مورد نیاز خود، تلاش کنند؛ همچنین عدم وابستگی محیط‌های آموزش از دور به مکان و زمان معین، این امکان را فراهم می‌کند که یادگیرندگان یک دوره درسی، با توجه به نیاز خود، از روش‌های متفاوتی از قبیل یادگیری همزمان یا ناهمزمان و یا ترکیبی از این دو حالت را استفاده کنند تا به طور مداوم معرفت مورد نیاز خود را با توجه به تفاوت‌های فردی خود کسب نمایند (آنجلو و ما، ۲۰۱۰).

برای پاسخ به پرسش سوم مبنی بر اینکه «جایگاه برنامه درسی در دیدگاه اگزیستانسیالیسم چیست و دلالت‌های آن برای آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟» می‌توان گفت برنامه درسی اگزیستانسیالیستی شامل مهارت‌ها و موضوعاتی

شکل ۱. برنامه درسی مورد تاکید دیدگاه اگزیستانسیالیستی در آموزش مجازی (مأخذ: محقق)

برای پاسخ به سوال چهارم مبنی بر اینکه «جایگاه یاددهنده و یادگیرنده از دیدگاه اگزیستانسیالیسم در آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟» می‌توان گفت از آنجا که برای اگزیستانسیالیست‌ها رشد شخصیت فردی اهمیت دارد؛ بنابراین هم مربی و هم شاگرد به عنوان افراد انسانی، باید هویت خویش را حفظ کنند؛ اگر چه هر دوی آنها تجربیات متفاوتی دارند؛ اما مربی باید در فعالیت یاددهی- یادگیری تجربیات یادگیرندگان را پایه و محور کار خویش قرار دهد و تلاش کند شاگرد را ترغیب کند تا درباره معنای زندگی به حقیقتی شخصی دست یابد و از این راه موجبات «اشتداد آگاهی» او را فراهم سازد؛ همچنین مربی باید چیزی را بیاموزد که خود عمیقاً آن را درک کرده و زیسته است؛ چرا که او تجربه بالاتری نسبت به شاگرد دارد. همین امر در آموزش مجازی نیز مصداق دارد؛ چرا که مربی در این نظام آموزشی نیز با داشتن تجربیات زیاد، بدون جهت‌گیری درباره یادگیری یک مطلب خاص، از طریق ایجاد یک رابطه دموکراتیک بر پایه گفت و شنود با یادگیرنده، مطالب خود را عرضه می‌کند و اصراری ندارد که یادگیرندگان حتماً آن را بپذیرند، بنابراین؛ مربی خوب کسی است که صادق باشد؛ نه آن که بکوشد به هر قیمت خود را موفق نشان دهد (شیروانی و همکاران، ۱۳۸۹)؛ همچنین او باید با درگیر کردن شاگردان برای یادگیری، آنان را به تفکر تشویق کند و بدین گونه به جای تحمیل نظر خود به شاگرد، او را در گزینش میان راه‌ها و اندیشه‌های گوناگون آزاد گذارد و بدین سان شاگرد در می‌یابد که حقایق برای انسان پیش نمی‌آیند؛ بلکه بوسیله او انتخاب می‌شوند. با توجه به آنچه ذکر شد، به نظر می‌رسد نگاه اگزیستانسیالیسم به یاددهنده و یادگیرنده نه مانند پراگماتیست هاست که به دنبال طراحی فعالیت‌های مربوط به یادگیری و یاددهی به شکل گروهی و اجتماعی است و نه مانند ایدالیست هاست که انتظار دارند مربی به‌عنوان الگویی برای شاگردان تلقی شود.

برای پاسخ به سوال پنجم مبنی بر اینکه «جایگاه نظام ارزشیابی در دیدگاه اگزیستانسیالیسم و دلالت‌های آن برای آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟» نیز می‌توان گفت در تفکر اگزیستانسیالیسم، ارزشیابی تحصیلی در نظام تعلیم و تربیت جایگاه بنیادین و تعمیق یافته‌ای دارد. گر چه متفکران در این مکتب نسبت به عناصر آموزشی از تفرق آراء برخوردارند؛

است که واقعیت طبیعی و اجتماعی را تبیین می‌کند؛ بنابراین در طراحی برنامه درسی، بایستی، یادگیرنده و نیازهای او محور اصلی قرار گرفته و مطالب مورد نیاز او در برنامه درسی گنجانده شود. برنامه درسی مورد تأکید اگزیستانسیالیسم در آموزش مجازی بر نکات زیر تأکید می‌کند:

الف) رغبت یادگیرندگان به‌عنوان پایه برنامه‌ریزی: برای اینکه برنامه درسی با علایق یادگیرندگان متناسب باشد، لازم است از تنوع و انعطاف‌پذیری برخوردار باشد تا هر شاگرد بتواند با تمایل آزاد و انتخابی خود در اجرای برنامه‌ها مشارکت فعال داشته باشد.

ب) آزادی کامل شاگرد برای فعالیت در گروه یا تنها: برنامه درسی بایستی به گونه‌ای طراحی شود که هر شاگرد آزادانه بتواند در اجرای آن فعالیت و مشارکت کند. مشارکت فعال هر فرد یادگیرنده چه به صورت انفرادی و یا با شرکت در گروه‌های مختلف می‌بایست مدنظر برنامه‌ریزان قرار گرفته باشد تا هر دو نوع فعالیت (در گروه یا تنها) امکان‌پذیر و عملی باشد.

ج) پی‌ریزی برنامه درسی بر اساس نیازهای فوری و مستقیم: برنامه درسی بایستی به گونه‌ای طراحی شود که ضمن داشتن هدف‌مندی برای آینده، پاسخ‌گویی نیازهای کنونی هر یادگیرنده نیز باشد.

د) شناخت تفاوت‌های فردی در تجربه‌ها: برنامه درسی می‌بایست انعطاف‌پذیر و پاسخ‌گوی تفاوت‌های فردی یادگیرندگان باشد و هر یادگیرنده تجربه درسی متناسب با خود را داشته باشد (شعاری نژاد، ۱۳۹۰).

همچنین قابل ذکر است که طرفداران اگزیستانسیالیسم در تبیین برنامه درسی دیدگاهی یادگیرنده محور دارند. شکل زیر ملاحظات طراحی برنامه درسی انعطاف‌پذیر با تأکید بر فعالیت یادگیرنده از دیدگاه اگزیستانسیالیسم در آموزش مجازی را از دیدگاه محقق نشان می‌دهد.

ملاحظات طراحی برنامه درسی انعطاف‌پذیر با تأکید بر فعالیت یادگیرنده از دیدگاه اگزیستانسیالیسم در آموزش مجازی





شکل ۲. ویژگی های ارزش یابی کیفی در اگزیزتاسیالیسم و دلالت های آن در آموزش مجازی (مأخذ: محقق)

که اجزا در ارتباط متقابل با کل در نظر گرفته شوند؛ بنابراین، به جای طرح سؤال هایی که تنها به اجزاء مطالب درسی ناظر باشند، باید آنها را به گونه ای طراحی کرد که به نحوی، با کل و ساختار متن در ارتباط قرار گیرند؛ بر این اساس در ارزش یابی کیفی در نظام آموزش از دور نیز تلاش می شود سوالات، ناظر بر ارتباط میان هر درس با کل مطلب باشد تا یادگیرنده بتواند دریابد که چگونه قسمت های متفاوت درس، می توانند با یکدیگر مرتبط شده و یک مفهوم کلی را ارائه دهند (ابوترابی، ۱۳۹۳).

ت) شکل گروهی دادن به ارزش یابی: دست یافتن به تفسیر مناسب متن، مستلزم آگاهی از تفسیرهای دیگر و در صورت لزوم، تصحیح تفسیر خود به کمک تفسیرهای دیگر است. از این رو، باید به ارزش یابی شکل گروهی داد و در ضمن بحث و گفتگوی گروهی، تلاش فرد را برای دست یافتن به تفسیر مناسب از متن ارزش یابی کرد (همان منبع: ۷۶)؛ بنابراین به نظر می رسد، طرح پروژه هایی که فرد بتواند در گروه فعالیت کند و به پاسخ های مناسبی دست یابد در ارزش یابی آموزش مجازی مورد توجه قرار می گیرد.

ج) چندوجهی کردن ارزش یابی: اگر محدود کردن ارزش یابی به امتحان کتبی، مانع ایجاد زمینه کافی و مناسب برای ارزش یابی فهم یادگیرنده است، باید به چندوجهی کردن ارزش یابی اقدام کرد. برای ارزش یابی دست کم از سه وجه کتبی، شفاهی و عملی می توان سخن گفت (همان منبع: ۷۹).

ولی نگاه همه آنها به ارزشیابی نگاهی کیفی نگر است. این نوع ارزشیابی در رویکرد اگزیزتاسیالیستی دارای ویژگی های بنیادینی است که به نوعی با آموزش مجازی نیز همخوانی دارد، این ویژگی ها به شرح زیر است:

الف) انعطاف در پاسخ ها: با توجه به ماهیت تفسیری ارزش یابی، باید سؤال ها طوری طراحی شوند که امکان انعطاف در پاسخ ها وجود داشته باشد تا فرصتی برای ظهور تفسیر، برای یادگیرنده ایجاد شود. در آموزش مجازی نیز از آنجا که فراگیران تجارب متفاوتی دارند، بنابراین طرح سوال های انعطاف پذیر، فضای دموکراتیکی را در پاسخ دهی ایجاد می کند تا فرد، متناسب با تجربیات خود، پاسخ های خلاقانه ای را ارائه دهد (سعیدی، ۱۳۹۵).

ب) ارتباط داشتن با متون درسی: در این نوع ارزش یابی، محدود شدن به متن درس و مطالب آن، تنها شرط لازم برای پاسخ به سؤال ها نیست؛ چرا که این کار سبب می شود تا مجال لازم برای فعالیت ذهنی یادگیرندگان ایجاد نشود (ریکور، ۱۳۶۸، ترجمه فرهادپور: ۲۷۲)؛ بر این اساس، آموزش مجازی نیز در فرایند ارزش یابی خود از یادگیرندگان، به طرح سوال هایی می پردازد که از سطوح پایین تر حیطه شناختی فراتر رود و به سطوح بالای شناختی که نیازمند درک، تفسیر، خلاقیت و فعالیت ذهنی است، را توجه کند (سعیدی، ۱۳۹۵).

پ) توجه به کلیت و ساختار متن: دیدگاه ارزشیابی کیفی برای ساختار و کلیت متن، در جریان فهم آن اهمیت خاصی قائل است؛ به عبارت دیگر، فهم هنگامی حاصل می شود

چگونه تبیین می‌شود؟» حاکی از آن بود که از نظر طرفداران اصالت وجود، مهم‌ترین هدف در نظام تربیتی، خدمت به انسان است (طاهری، ۱۳۹۴). این هدف در نظام آموزش از دور (مجازی) نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین برخی دیگر از هدف‌های مهم و خاص آموزش و پرورش از نظر این نحله فکری که در آموزش مجازی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد به شرح زیر است:

رشد و گسترش آگاهی فرد: مکتب اگزیستانسیالیستی در اهداف خود به دنبال آن است که آگاهی فرد را بیدار کند تا او بتواند به طور پیگیر، مستقلانه و خلاقانه دست به انتخاب بزند. وقتی شاگرد به وجود اشیاء و موجودات آن چنان که هستند آگاهی پیدا کند، می‌تواند به بالاترین سطح تجربه دست یابد (عبدالکریمی، ۱۳۸۱). هم راستا با این دیدگاه، رویکرد آموزش مجازی نیز آنچه را در اهداف خود پیگیری می‌کند، آن است که یادگیرندگان بتوانند با توجه به تجارب گوناگون خود، به طور پیگیر، مستقلانه و خلاقانه دست به انتخاب بزنند تا تجربیات خود را به سطح بالاتری توسعه دهند.

فراهم کردن فرصت برای انتخاب آزاد: فلسفه اگزیستانسیالیستی، همگام با رویکرد آموزش مجازی در هدف‌های خود به انتخاب آزادانه را توجه می‌کند تا یادگیرندگان، ضمن شناخت خود، ارزش واقعی وجود خود را دریابند و در تصمیم‌گیری‌های خود از آزادی بهره‌مند باشند. هم‌راستا با این دیدگاه، رویکرد آموزش مجازی نیز در بحث هدف‌های خود به دنبال آن است که روندهایی که آزادی را محدود می‌کند، شناسایی کند؛ آگاهی فرد درباره داشتن آزادی برای انتخاب را افزایش دهد؛ این حس را پرورش دهد که هر انسانی مسئول هویت فردی خود و اقدام برای تحقق من در حل تکوین خویش است؛ و در نهایت بین انتخاب‌های بامعنی و پیش پا افتاده تمایز قائل شود (سارتر، ترجمه رحیمی، ۱۳۸۶). با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که نظام آموزش از دور (مجازی)، همگام با مکتب اگزیستانسیالیسم، شاگرد را فاعلی آگاه می‌داند که در تجربه هستی و لمس معنای وجود خود، به طور بی‌واسطه ای با تکیه بر حفظ حریم «آزادی» و با استفاده از امکان‌پذیری و انتخاب، هدفی را برای خود برگزیده و به این شکل، به سلسله رویدادها و حوادثی که «زندگی» نامیده می‌شود، معنا و مفهوم می‌بخشد (سرانجام، محمدی، ۱۳۹۵).

ج) انضمامی و عینی کردن سؤال‌ها: شکل مناسب

ارزش‌یابی از فهم یادگیرنده را می‌توان در مواجهه‌ی واقعی او با موقعیت مورد نظر جست‌وجو کرد؛ بنابراین، یادگیرنده باید در برابر مسئله‌ی واقعی قرار گیرد و در کوشش برای حل آن، میزان فهم خود را آشکار کند (همان منبع: ۷۹)؛ از این رو در ارزش‌یابی کیفی در آموزش مجازی، پیوند سوالات با نیازهای یادگیرنده و موقعیت‌های واقعی، اهمیت دارد.

ه) فرایندی کردن ارزش‌یابی: ماهیت پویا و مستمر

فهم، مانع از آن است که ارزش‌یابی را بتوان به نتایج محدود کرد؛ در عوض، لازم است ارزش‌یابی به صورت فرایندی و در بستر فرایند فهم متون درسی صورت گیرد. به عبارت دیگر، مربی تنها می‌تواند ارزش‌یابی را به موازات تدریجی و استمراری بودن فهم، به صورت آرام و در گذاری تدریجی انجام دهد (ریکور، ۱۳۶۸: ۲۷۳)؛ بر این اساس در آموزش مجازی نیز فرایند ارزش‌یابی از ابتدای شروع درس تا انتهای آن به صورت مستمر و تدریجی انجام می‌شود تا حین ارزش‌یابی، مشکلات مربوط به کسب معرفت اصلاح شود و یادگیرنده به معرفت واقعی دست یابد. شکل زیر ویژگی‌های ارزش‌یابی کیفی در اگزیستانسیالیست و دلالت‌های آن در نظام آموزش از دور (مجازی) را نشان می‌دهد:

نتیجه‌گیری و بحث

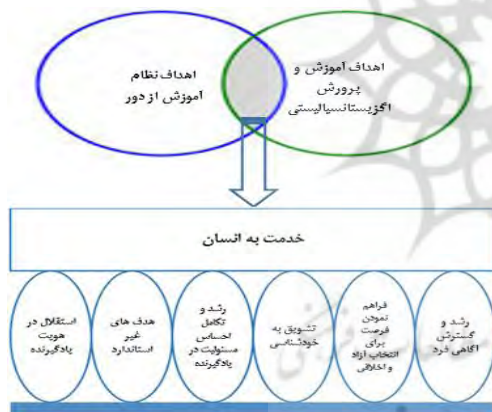
از میان مبانی مختلف فلسفی، معرفت‌شناسی که از مسائل مرتبط با شناخت بحث می‌کند و درصدد تفسیر علم و دانش و توجیه باورها و اندیشه‌های بشری است، با فرایند یاددهی-یادگیری در نظام آموزش و پرورش نزدیکی بیشتری دارد. در دنیای امروز نیز که انواع رویکردهای نوین تعلیم و تربیت به سرعت در حال توسعه است، توجه ویژه به معرفت، یکی از مسائل مهمی است که توجه متخصصان نظام آموزشی به طور عام و نظام آموزش از دور (آموزش مجازی) به طور خاص، در کشورمان را به خود معطوف کرده است. هدف از انجام پژوهش حاضر مطالعه و تحلیل معرفت‌شناسی اگزیستانسیالیستی و استلزامات تربیتی آن برای آموزش مجازی است. پس از طرح سوالات پژوهش، محقق به بررسی ادبیات پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها پرداخت.

نتایج پژوهش درخصوص سوال اول مبنی بر اینکه «اهداف آموزش و پرورش در دیدگاه اگزیستانسیالیسم چیست و دلالت‌های آن برای رویکرد آموزش مجازی

آموزش از دور از تعدد و تنوع فراوانی برخوردارند و دارای رده سنی، تفاوت‌های فردی، جنسیت، تجارب و پیش دانسته‌های متفاوتی هستند؛ بنابراین رویکرد آموزش مجازی، نمی‌تواند اهداف استاندارد را برای انبوهی از مخاطبان خود، با ویژگی‌های یاد شده در نظر بگیرد (ابوترابی، ۱۳۹۳).

استقلال در هویت در شاگرد: اگزستانسیالیسم انتقاد دیگری نیز از آموزش و پرورش معاصر می‌کند و معتقد است که نظام‌های آموزشی امروز از شاگردان انتظار دارد برای به دست آوردن شغل پردرآمد و صعود از نردبان اقتصادی، هویت فردی خود را محدود کنند و به یادگیری نقش‌هایی بپردازد که نتیجه آن متضمن کاهش فرصت‌های لازم برای انتخاب مستقلانه است؛ این در حالی است که بسیاری از مخاطبان رویکرد آموزش مجازی را شاغلان، تشکیل می‌دهند؛ بنابراین آنها نیازی ندارند که برای به دست آوردن شغل خود آماده شوند؛ بلکه در رویکرد آموزش مجازی بحث

تشویق خودشناسی؛ اصل بنیادین اگزستانسیالیسم مبنی بر این است که وجود مقدم بر ماهیت است. انسان نخست به عرصه جهان پا می‌گذارد؛ سپس تلاش خود را برای شناخت خود و ساختن شخصیت و ماهیت خود آغاز می‌کند؛ چراکه انسان، بر خلاف نباتات، جمادات و حیوانات، از قبل ماهیت معینی ندارد؛ بنابراین هر فرد انسانی، هرگز خالی از هدف و تصمیم نیست و در جریان ساختن ماهیت خود، با طرح‌هایی که برای خویش برمی‌گزیند نشان می‌دهد که در آینده چه چیزی می‌خواهد باشد (سارتر، ترجمه سعادت نژاد، ۱۳۸۷). این فلسفه و نوع نگاه آن به فردیت انسان، دلالت‌های مهمی برای رویکرد آموزش مجازی دارد؛ به گونه‌ای که فردیت بی‌همتای یادگیرنده و رسیدن به استقلال فردی، هدف اصلی آموزش مجازی قرار می‌گیرد تا شاگرد با فعالیت خود و با توجه به ویژگی‌های فردی و تجارب متفاوتی که نسبت به دیگران دارد، بتواند، معرفت بی‌همتایی را در خود ایجاد کند.



شکل ۳. نقاط مشترک رویکرد اگزستانسیالیستی و رویکرد آموزش مجازی در اهداف آموزش و پرورش (مأخذ: محقق)

یادگیری همیشگی موضوعیت می‌یابد که بر اساس آن، افراد با تجربیات متفاوت، نیازمند تجارب جدید و متفاوتی هستند و به این دلیل به نظام آموزش از دور رجوع کرده‌اند تا به نیاز یادگیری آنها پاسخ مناسب ارائه شود. در شکل زیر به نقاط مشترک رویکرد اگزستانسیالیستی و رویکرد آموزش مجازی در اهداف آموزش و پرورش اشاره شده است. با توجه به آنچه ذکر شد، هم در مکتب اگزستانسیالیسم و هم در رویکرد آموزش مجازی، هدف، معیاری نیست که اعمال باید مطابق و منطبق با آن باشند؛

رشد و تکامل احساس مسئولیت در یادگیرنده: از آنجا که انسان مختار است می‌تواند خود را بیافریند؛ بنابراین مسئولیت نیز دارد؛ چرا که او، خود باید خویش را بسازد؛ بنابراین مسئولیت اگزستانسیالیستی عبارت از نوعی مسئولیت است که از نفس خود انسان، آزادی و انسان بودن انسان سرچشمه می‌گیرد و اگر هیچ کس از انسان بازخواست نکند باز هم او مسئول است. در رویکرد آموزش مجازی نیز یادگیرندگان باید تشخیص دهند که چگونه در مقام یک انسان، آزادانه و خلاقانه دست به انتخاب بزنند. این آگاهی متضمن مسئولیت فرد در تعیین چگونگی زندگی خود و نحوه آفرینش و رشد شخصیت فردی خویش و تعهد در جهت بهبود زندگی خود است (شعاری نژاد، ۱۳۹۰، مقیمی عراقی، ۱۳۹۱).

هدف‌های غیر استاندارد: اگزستانسیالیسم از آموزش و پرورش معاصر انتقاد می‌کند و پیروان این مکتب معتقدند که آموزش و پرورش جدید انتخاب شخصی را کاهش داده و اجازه نمی‌دهد یادگیرندگان در ساخت خود، فعال باشند؛ چرا که مدارس برای آموزش به هدف‌های استاندارد شده‌ای رجوع می‌کنند که نتیجه آن ایجاد محدودیت‌هایی خاص برای یادگیرندگان است (شعاری نژاد، ۱۳۶۵). این انتقاد اگزستانسیالیسم از هدف‌های استاندارد، دلالت‌هایی نیز برای رویکرد آموزش مجازی دارد؛ چرا که مخاطبان نظام

برای یادگیرنده فراهم می‌کند. متخصصان آموزش از دور که اگزیستانسیالیسم را مطالعه کرده‌اند، تدریس و یادگیری غیرمستقیم را روش تربیتی مناسب برای این نظام می‌دانند. در تدریس غیر مستقیم که از روش‌ها و فنون دموکراتیک بهره می‌گیرد، مربی هرگز هدف‌های شخصی را به یادگیرندگان تحمیل نمی‌کند؛ بلکه وظیفه او راهنمایی است (شعاری نژاد، ۱۳۹۰). در زیر به برخی از روش‌های مورد توافق اگزیستانسیالیسم و نظام آموزش از دور (رویکرد آموزش مجازی) اشاره می‌شود:

روش محاوره سقراطی: در این روش، مربی اگزیستانسیالیست، برخلاف مربی ایده‌آلیست، پاسخ سوالات مطرح شده را نمی‌داند. در حقیقت بهترین نوع سوال فقط در معنی‌آفرینی خود دانش‌آموز قابل پاسخ است. در واقع در این روش پرسش‌هایی برای شاگردان مطرح می‌شود تا آن‌ها نسبت به کسب معرفت تلاش کنند و از این راه موجبات آگاهی زیاد آنها فراهم شود. وظیفه مربی آن است که برای یادگیری موقعیتی فراهم کند که طی آن شاگردان بتوانند ذهنیت خویش را ابراز کنند؛ چرا که مربی و شاگرد به یک اندازه در اشتداد آگاهی مسؤولیت دارند (گوتک؛ ترجمه پاک سرشت، ۱۳۸۹)، تدارک یادگیری موقعیتی برای اشتداد آگاهی، با توجه به وجود تنوع در مخاطبان رویکرد آموزش مجازی، در این نظام آموزشی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

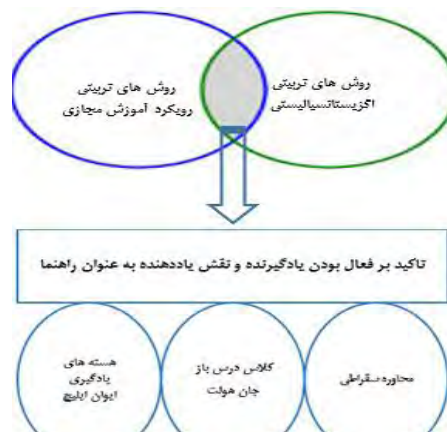
یادگیری باز: هولت در کتاب «آزادی و فراسوی آن» به دفاع از «یادگیری باز» پرداخت. در کلاس درس باز، یادگیرندگان با فرصت‌های یادگیری مواجه می‌شوند که با انتخاب آزاد آنها را تجربه می‌کنند (گوتک، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱). کلاس درس باز با هدف صیانت از آزادی یادگیرنده در فعالیت‌های یادگیری، مقررات را به حداقل مورد نیاز کاهش می‌دهد تا شاگردان در یک محیط آزاد و دموکراتیک، به فعالیت بپردازند. قابل ذکر است کلاس درس باز، نوعی روش مناسب برای یادگیری در رویکرد آموزش مجازی است.

مفهوم «هسته‌های یادگیری» یا شبکه‌های تربیتی که ایوان ایلچ مطرح کرده است، از آنجا که به مشارکت و مباشرت مبتنی بر انتخاب آزاد شباهت دارد، مطلوب اگزیستانسیالیست‌ها است. این هسته‌ها یا شبکه‌ها در خارج از نهادهای تربیتی تحقق می‌یابند و از جانب افراد برای مدت زمانی که خود آنان تعیین می‌کنند مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ بی آنکه دیگران برای آنان تعیین تکلیف کنند (وال، ۱۳۷۲؛ ترجمه یحیی

بلکه در این مکتب، هدف، مقصدی است که عمل در جهت آن انجام می‌شود؛ بنابراین نظام آموزش و پرورش، آموزشگاه و مربی نباید اهداف خود را به شاگرد تحمیل نکنند؛ بلکه باید سعی کنند یادگیرنده را برای تشخیص هدفی ارزشمند راهنمایی کنند. در این مسیر دانش نیز انتقال داده نمی‌شود؛ بلکه دانش فقط عرضه می‌شود و شاگرد نیز بر اساس انگیزه‌ها و وضع روانی خود و از راه تجربه به امور عالم دست می‌یابد. این نتایج با یافته‌های طاهری و قولی گله (۱۳۹۴)، ابوترابی (۱۳۹۳) و مقیمی عراقی (۱۳۹۱) هم‌خوانی دارد.

همچنین درباره سوال دوم مبنی بر اینکه «روش‌های تربیتی در دیدگاه اگزیستانسیالیسم کدام است و دلالت‌های آن برای رویکرد آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟» نتایج حاکی از آن بود که توجه به تفاوت‌های فردی در روش‌های تربیتی اگزیستانسیالیستی سبب می‌شود تا تنوع نیازها، توانایی‌ها و استعداد‌های شاگردان در اولویت قرار گیرد؛ چرا که یادگیری در این نوع تفکر متوجه «فرد» است؛ بنابراین اگزیستانسیالیسم همانند سایر جنبش‌های انسان‌گرا، با ارائه روش‌های تربیتی مبتنی بر فردمحوری (نه درس‌محوری) تلاش کرده است تا گام‌های بلندی در جهت انسانی کردن آموزش و پرورش برداشته شود و راه برای بهره‌گیری از روش‌های تربیتی روان‌شناسان انسان‌گرا، باز شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش ابوترابی (۱۳۹۳) و مقیمی عراقی (۱۳۹۱) هم‌خوانی دارد.

رویکرد آموزش مجازی نیز که دارای ویژگی‌هایی چون همه‌زمانی و همه‌مکانی بودن است، در تلاش افراد برای کسب معرفت، یادگیرنده را محور قرار می‌دهد و با دیدگاه انسان‌گرایی که دارد، منعطف‌ترین روش‌های یادگیری را



شکل ۴. برخی از روش‌های مورد توافق اگزیستانسیالیسم و رویکرد آموزش مجازی (مأخذ: محقق)

بین فرد و محتوای موجود، محتوای بعدی تعیین می‌شود (آلن^۲، ۱۹۹۵).

ث) انتخاب فرصت‌های یادگیری: در این دیدگاه، فرصت‌های یادگیری می‌بایست به‌گونه‌ای فراهم شوند که فراگیرندگان را با ابهام روبه‌رو ساخته و قدرت کنجکاوی آنان را تحریک کنند. این امر باعث می‌شود که یادگیرنده خود را از قیدوبند سنت‌های آشنا و ریشه‌دار جدا کند و با پا گذاشتن در دنیای پرمزوراز که فرصت‌های یادگیری برای او به وجود آورده‌اند، راه‌هایی نو را بیازماید (آرندت^۳، ۲۰۱۶).

ج) سازمان‌دهی فرصت‌های یادگیری: در این دیدگاه فلسفی، سازمان‌دهی فرصت‌های یادگیری همچون سازمان‌دهی محتوا است و تعیین جدی را نمی‌توان از آن انتظار داشت؛ بلکه این نوع سازمان‌دهی ماهیتی غیرخطی داشته و براساس نوع فعالیت‌ها علائق یادگیرندگان می‌تواند در جهات مختلف حرکت کند (بارت^۴، ۱۹۶۲).

چ) روش‌های ارائه (تدریس): در این دیدگاه فلسفی، تدریس ماهیتی عمل‌گرا و گفت‌وگومحور دارد. بدین ترتیب تدریس ماهیتی دوجانبه، دیالکتیکی و سازنده دارد؛ به‌طوری‌که هر دو طرف بتوانند تجربیات جدیدی از آن گفت‌وگو به دست آورند. این بدین معنا است که در یک گفت‌وگوی واقعی، هم مربی و هم یادگیرنده می‌توانند در شکل دادن به فهم متقابل از خویشتن کمک کنند (هاگرسون^۵، ۱۹۹۱). در شکل زیر برخی از عناصر برنامه درسی از دیدگاه مکتب اگزیستانسیالیسم در رویکرد آموزش مجازی نمایش داده شده است.

با توجه به آنچه ذکر شد به نظر می‌رسد برنامه درسی اگزیستانسیالیستی در رویکرد آموزش مجازی نباید به‌صورت نسخه‌ای از قبل پیچیده باشد؛ بلکه باید از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار باشد و هر یادگیرنده مطابق با گزینش خویش در کلاس حاضر شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های طاهری و قولی گله (۱۳۹۴)، ابوترابی (۱۳۹۳) و مقیمی عراقی (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

مهدوی: ص ۹۳). شکل زیر به برخی از روش‌های مورد توافق اگزیستانسیالیسم و رویکرد آموزش مجازی اشاره دارد. نتایج پژوهش درباره سوال سوم مبنی بر اینکه «جایگاه برنامه درسی در دیدگاه اگزیستانسیالیسم چیست و دلالت‌های آن برای رویکرد آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟» نشان داد برنامه‌های درسی اگزیستانسیالیستی دارای ویژگی‌های زیر هستند:

نخست: رغبت یادگیرندگان، اساس آن را تشکیل می‌دهد؛ دوم: یادگیرندگان برای فعالیت‌ها، آزادی کامل دارند؛ سوم: برنامه‌های درسی باید مبتنی بر نیازهای مستقیم و حال حاضر یادگیرندگان باشد؛ چهارم: در طراحی تجارب آموزشی باید مینا را بر شناخت تفاوت‌های فردی گذاشت.

در ادامه به برخی از ابعاد برنامه درسی در دیدگاه اگزیستانسیالیستی که در رویکرد آموزش مجازی نیز مصداق دارد، می‌پردازیم:

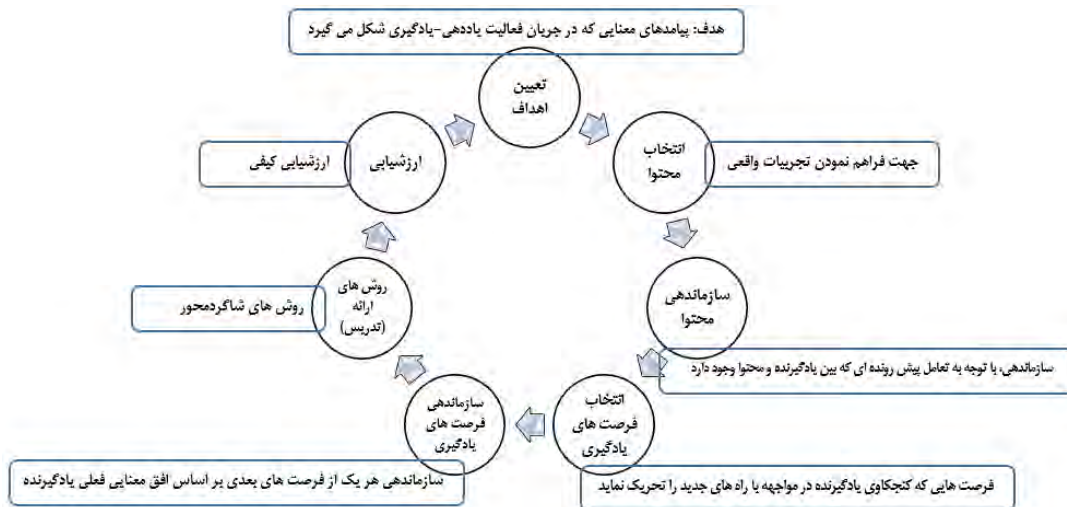
الف) تعیین هدف: از دیدگاه آیزنر اهداف آموزشی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: اهداف رفتاری، اهداف حل مسئله و پیامدهای معنایی. پیامدهای معنایی به آن‌گونه هدف‌هایی اطلاق می‌شود که از پیش تعیین نمی‌شوند؛ بلکه در جریان فعالیت شکل می‌گیرند. در میان این سه نوع هدف آنچه که با روح رویکرد اگزیستانسیالیستی سازگار است همان پیامدهای معنایی است. این اهداف جنبه‌ی تحمیلی ندارند؛ بلکه روئیدنی و بالیدنی هستند و به واسطه‌ی مقتضیات و شرایط یک بافت ویژه و با توافق جمعی تأیید می‌شوند (آگر^۱، ۱۹۹۱).

ب) انتخاب محتوا: مربی اگزیستانسیالیست سعی می‌کند محتوا و فعالیت‌های تربیتی را به گونه‌ای انتخاب کند که امکان بروز تعاملات بین فرد و تجربیات واقعی تسهیل شود. در واقع محتوای درسی محتوایی است که هر فراگیرنده می‌تواند با آن به تعامل بپردازد و دیدگاه‌هایی جدید دست پیدا کند (باقری و یزدانی، ۱۳۸۱).

پ) سازمان‌دهی محتوا: در این دیدگاه، سازمان‌دهی محتوا یک فعالیت از قبل تعیین شده نیست؛ چراکه اصولاً برنامه‌ی درسی در این دیدگاه یک بسته یا محصول از پیش تعیین شده نیست؛ بلکه محتوا یک‌روند رو به رشد دارد و با توجه به تعامل

2. Allen
3. Arendt
4. Barrett
5. Haggerson

1. Agger



شکل ۵. عناصر برنامه درسی از دیدگاه مکتب اگزیستانسیالیسم در رویکرد آموزش مجازی (مأخذ: محقق)

آنان را در تبدیل شدن به افرادی «اصیل» و «مورد اعتماد» یاری می‌رساند و به آنها کمک می‌کند تا با داشتن ذهن و فکری مستقل، سخت کار و تلاش کنند و به لحاظ اندیشه روی پای خود بایستند تا بتوانند، خودباور و آزاد بار آیند و بهترین زندگی را برای خود رقم بزنند. هم سو با نظام اگزیستانسیالیستی، مربیان آموزش مجازی نیز برای این امر مهم گام برمی‌دارند؛ زیرا رویکرد آموزش مجازی یادگیرندگان خود را افرادی فعال می‌داند که با داشتن تجربیات متعدد و نیز دارا بودن استقلال فکری و ذهنی و با تلاش خود در جهت یادگیری گام برمی‌دارند.

با توجه به آنچه ذکر شد جایگاه مربی در تفکر اگزیستانسیالیسم از آن جهت که به رشد و تعالی و تکوین معنایی هستی در شاگردان می‌پردازد نقشی چندوجهی دارد. برخی از متفکران در این مکتب مربی را چون آینه بازتاب دهنده و چگونه شدن می‌داند و برخی او را نقشی مانع می‌دانند که یادگیرندگان باید از او عبور کنند در حالی که دسته سومی نیز مربی را همچون باغبان می‌دانند که نقش سوم با رویکرد آموزش مجازی بیشتر هماهنگی دارد. شکل زیر نقش یاددهنده و یادگیرنده را در تشکیل معرفت اگزیستانسیالیستی و رویکرد آموزش مجازی نمایش می‌دهد.

با توجه به آنچه ذکر شد به نظر می‌رسد نقش سنتی مربی و یادگیرنده در تعلیم و تربیت اگزیستانسیالیستی از نقش سنتی آنها فاصله می‌گیرد. مربی نقش خود را به عنوان راهنما ایفا می‌کند تا یادگیرنده، خود، فعال شود و به معرفت دست یابد تا بتواند به زندگی خود معنا بخشد. این امر دلالت‌های مهمی نیز

همچنین نتایج پژوهش درباره سوال چهارم مبنی بر اینکه «جایگاه یاددهنده و یادگیرنده از دیدگاه اگزیستانسیالیسم در آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟» نشان داد که مربی از منظر این مکتب، نقش بسیار مهمی دارد؛ زیرا او خالق وضعیت‌ها و بسترهایی است که به شاگردان کمک می‌کند خود را بهتر بشناسند تا در نهایت بتوانند به تحقق خود یا خودشناسی دست یابند. از این رو مربیان نظام آموزش از دور (با رویکرد آموزش مجازی) از منظر مکتب اگزیستانسیالیستی باید شخصیتی آزاد داشته باشند تا در عین تعامل نزدیک با یادگیرندگان، آنان را به سمت این ایده ترغیب کنند که آنان نیز شخصیتی آزاد دارند (عبدالکریمی، ۱۳۸۱: ص ۴۷).

نکته قابل توجه آن است که در همه نظام‌های آموزشی مربیان در جریان کسب معرفت، یادگیرندگان خود را تحت تاثیر قرار می‌دهند؛ اما در مکتب اگزیستانسیالیسم تلاش فراوانی می‌شود تا این تاثیرگذاری به حداقل خود کاهش یابد، تا یادگیرندگان بتوانند با اندیشه و خردورزی که خود در شکل‌گیری آن فعال هستند، به کسب معرفت دست یابند. این نکته برای مربیان در رویکرد آموزش مجازی نیز صادق است؛ چرا که به دلیل فاصله زمانی و مکانی که میان یاددهنده و یادگیرنده وجود دارد، مربیان رویکرد آموزش مجازی هرگونه معرفت را به طور غیرمستقیم در اختیار یادگیرندگان قرار می‌دهند تا آنها با تلاش و تجربیات خود به شکل‌گیری هرگونه معرفت اقدام کنند.

بنابراین معلم اگزیستانسیالیستی به‌جای داشتن انتظار تقلید از جانب یادگیرندگان آنگونه که نیچه (۱۳۸۳: ۱۲۵) می‌گوید،



شکل ۶. نقش یاددهنده و یادگیرنده در تشکیل معرفت اگزستانسیالیستی و رویکرد آموزش مجازی (مأخذ: محقق)

«پیش مفهوم» است که عبارت است از کلمات و مفاهیمی که مربی دیدگاه اولیه خود درباره شاگردان را در قالب آنها بیان می‌کند؛ مثلاً اینکه شاگردی تبیل یا زرنگ است. این سه صورت، سبب فهم درست یا نادرست مربی و قضاوت او درخصوص یادگیرنده در قالب «پیش فهم» می‌شود. بنابراین، موضوع کار ارزیاب در گام اول ارزش‌یابی، تعیین پیش‌فهم‌های او درباره شاگردان است.

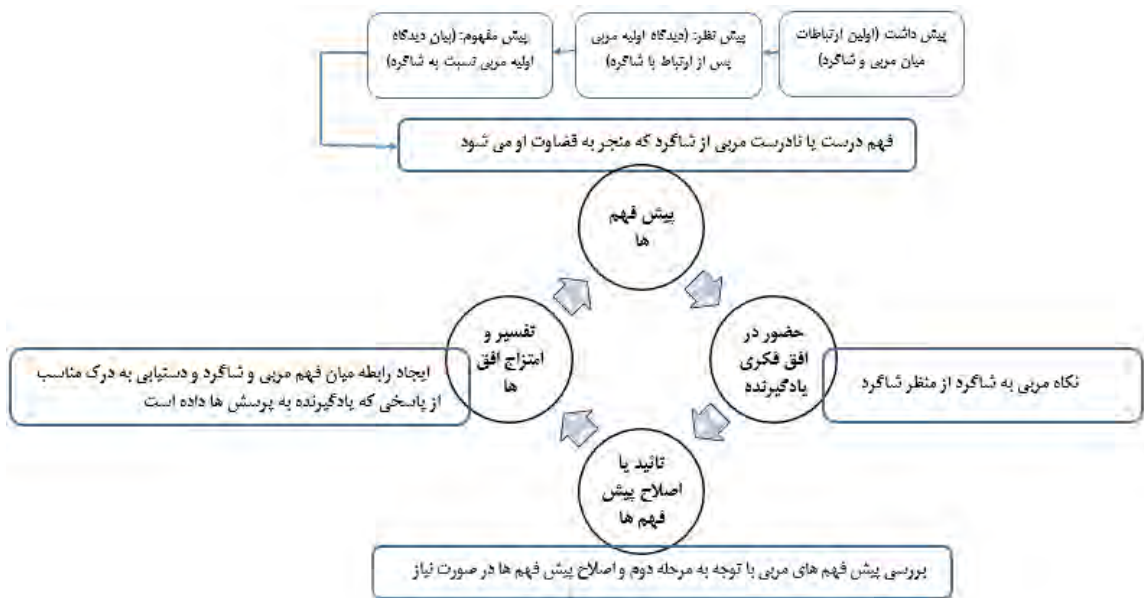
دوم، حضور در افق فکری شاگرد؛ در دومین گام چرخه ارزش‌یابی، ارزیاب یا مربی به دنبال آن است که در دنیای فکری یادگیرنده قدم گذارد. اگر ارزش‌یاب این کار را انجام ندهد، بیم آن می‌رود که با همان پیش‌فهم‌ها به ارزش‌یابی بپردازد و به این ترتیب، ارزش‌یابی را به جهت‌گیری دچار کند (باقری؛ به نقل از هایدگر، ۱۳۸۶).

سوم، تأیید یا اصلاح پیش‌فهم‌ها؛ در این مرحله، ارزیاب یا مربی، با گذر کردن به متن نوشته‌ها و گفته‌های شاگرد و افق فکری وی، اکنون دوباره به خودبازگشته و پیش مفهوم خود را مورد بازنگری قرار می‌دهد، چنانچه پیش مفهوم او با فضای فکری یادگیرنده هم‌خوانی داشته باشد، پیش‌فهم خود را تأیید می‌کند و در صورتی که پیش‌فهم او با فضای فکری یادگیرنده هم‌خوانی نداشته باشد، آن را اصلاح می‌کند (همان منبع: ۳۴).

برای رویکرد آموزش مجازی دارد؛ چرا که در این نظام آموزشی یادگیرنده نقش فعالی ایفا می‌کند و با محیط‌ها و موقعیت‌های غنی‌ای که مربی برای او فراهم می‌کند، برای تشکیل معرفت خود و متناسب با تجربیات خود، دست به انتخاب می‌زند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های طاهری و قولی گله (۱۳۹۴)، ابوترابی (۱۳۹۳) و مقیمی عراقی (۱۳۹۱) و فرهنگی (۱۳۶۶) همخوانی دارد.

علاوه بر آن برای پاسخ به سوال پنجم مبنی بر اینکه «جایگاه نظام ارزشیابی در دیدگاه اگزستانسیالیسم و دلالت‌های آن برای رویکرد آموزش مجازی چگونه تبیین می‌شود؟» به چرخه‌ای اشاره می‌شود که طی آن مربی اگزستانسیالیسی به ارزش‌یابی می‌پردازد. در این چرخه ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی از دیدگاه اگزستانسیالیستی چهار مرحله را طی می‌کند تا به شیوه‌ای کیفی از یادگیرنده ارزش‌یابی به عمل آورد، این چهار مرحله به شرح ذیل می‌باشد:

نخست، تعیین پیش‌فهم‌ها: پیش‌فهم اولین قدم مربی جهت ارزش‌یابی از یادگیرنده است. در واقع مربی یا ارزیاب، بدون پیش‌فهم و با ذهن پاک و مبرا به این کار نمی‌پردازد؛ بلکه فهم همواره با پیش‌فهم آغاز می‌شود (پینار و همکاران، ۲۰۰۵). پیش‌فهم، چنان‌که هایدگر (۱۳۹۵) بیان کرده است، خود، سه صورت دارد. «پیش‌داشت» یا همان ارتباطاتی است که مربی طی جلسات مختلف کلاسی با شاگردان داشته است. این ارتباط در صورت دوم تبدیل به «پیش‌نظر» یا دیدگاه اولیه‌ای می‌شود که مربی در نتیجه‌ای ارتباط خاص خود با شاگردان، نسبت به آنها یافته است. همچنین صورت سوم،



شکل ۷. چرخ؛ پیشنهادی برای ارزش‌یابی (مأخذ: محقق)

نوع نگاه به معرفت در این مکتب نسبی‌گرایانه بوده و کسب آن به افراد بستگی دارد و هر شخص خودش، جهت ایجاد معرفت در خود گام برمی‌دارد، باید با ملاحظاتی صورت گیرد؛ چرا که در چتر فلسفی حاکم بر جامعه ما که اسلام است، فلسفه اسلام که دارای محتوای کاملی است، بر نوع کامل‌تری از معرفت که معرفتی مطلق است، تاکید می‌کند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران حوزه و دانشگاه با انجام پژوهش‌هایی درباره تحلیل بیشتر مکتب اصالت وجود و راهکارهای آن برای دست‌یابی به معرفت حقیقی در نظام آموزش از دور (با تاکید بر آموزش مجازی) متناسب با دین اسلام گام بردارند و برنامه‌هایی را طراحی کنند که علاوه بر استفاده از نقاط قوت مکاتب فکری و فلسفی، با آموزه‌های دین اسلام نیز همخوانی داشته باشد، تا به شیوه‌ای فعالانه موجب کسب معرفت اصیل توسط یادگیرنده شود.

چهارم، تفسیر و امتزاج افق‌ها: در این گام، فهم اصیل می‌تواند رخ دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که ارزش‌یابی، پیش‌فهم‌های تأیید شده یا اصلاح شده را در اختیار بگیرد و آن‌گاه نوشته‌ها یا گفته‌های شاگرد را مورد توجه قرار دهد، تفسیر متن مورد نظر اتفاق می‌افتد و وی به فهم مناسبی از نوشته‌ها یا گفته‌های شاگرد نایل می‌شود و به این ترتیب می‌تواند ارزش‌یابی خود را با رویکرد کیفی‌گرا به سرانجام رساند (گادامر، ۱۹۹۳). این روند ارزش‌یابی کیفی در نظام آموزش از دور (رویکرد یادگیری مجازی) نیز کارایی لازم را دارد و سبب افزایش کیفیت در نظام ارزش‌یابی در آموزش از دور خواهد شد.

حاصل آن چه در چهار گام ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی مطرح شد، در شکل زیر نشان داده شده است.

نکته قابل توجه در پایان این است که اگرچه در جهان کنونی رویکرد معرفت‌شناسی مکتب اگزیستانسیالیسم، دلالت‌های تربیتی برای رویکرد آموزش مجازی دارد؛ اما در به کارگیری آن در نظام آموزش از دور کشورمان با توجه به اینکه

منابع

- ابوترابی، رزیتا (۱۳۹۳). نیم‌رخ کلاس درس از دیدگاه های دیگر و سایر اگزستانسیالیست‌های دازاین، بررسی و نقد، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۲). پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه سیدحمیدرضا حسنی و همکاران، قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری، خسرو، یزدانی، عبدالوهاب (۱۳۸۱). الگویی برای پژوهش در ارزش‌یابی تحصیلی بر اساس دیدگاه هرمنوتیک. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱ (۱)، ۵۸-۳۹.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶). دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت (انتخاب و ترجمه). تهران: انتشارات نقش هستی.
- رضایی، محمدهاشم (۱۳۸۷). دیدگاه‌های معرفت‌شناسی برنامه درسی در نظام آموزش باز و از راه دور، پیک نور، سال ششم، شماره سوم، به مناسبت بیستم سال تاسیس دانشگاه پیام نور.
- رضایی، محمدهاشم، پاک سرشت، محمدجعفر (۱۳۸۷). تاثیر دیدگاه‌های معرفت‌شناسی بر فعالیت‌های یاددهی یادگیری در نظام آموزش باز و از راه دور، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۹-۳۶.
- ریکور، پل (۱۳۶۸). رسالت هرمنوتیک. ترجمه مراد فرهادپور و یوسف ابازری. مجله فرهنگ، کتاب چهارم و پنجم، ۲۹۴-۲۶۳.
- سارتر، ژان پل (۱۳۸۶). اگزستانسیالیسم و اصالت بشر. ترجمه مصطفی رحیمی. تهران: انتشارات نیلوفر.
- سعیدی، محمود (۱۳۹۵). بررسی نقش و جایگاه تربیتی معلم از دیدگاه مکاتب مختلف، سومین همایش ملی راه‌کارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره و آموزش. تهران: سیولیکا.
- سرانجام، امین، محمدی، محتشم (۱۳۹۵). اگزستانسیالیسم در رباعیات خیام، مجله مطالعات ایرانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان.
- سارتر، ژان پل (۱۳۸۷). روان‌کاوی وجودی، ترجمه احمد سعادت نژاد، تهران: انتشارات نیل.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۷). مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۰). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شیروانی، الهام، بهشتی، سعید، اسدزاده، حسن (۱۳۸۹). تبیین و نقد بنیان‌های معرفت‌شناسی سازنده‌گرایی و مدل‌های تربیتی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۰). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طاهری، محمدرضا (۱۳۹۴). دیدگاه اگزستانسیالیسم در تعلیم و تربیت. اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی. تهران: انتشارات سیولیکا.
- طاهری، محمدرضا، قولی گله، زهرا (۱۳۹۴). فلسفه آموزش و پرورش از منظر مکتب اگزستانسیالیسم، اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
- عابدینی بلترک، میمنت، نیلی، محمدرضا (۱۳۹۳). تحلیل جایگاه سازنده‌گرایی به عنوان رویکرد نوین یادگیری در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه‌ریزی درسی)، دوره ۱۱، شماره ۱۳، صص ۶-۱۷.
- عبداله یار، علی (۱۳۸۷). تبیین دلالت‌های تربیتی نظریه «شدن» از منظر انسان‌شناسی اگزستانسیالیسم و نقد آن بر اساس نظرات شهید مطهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عسگری زاده، فلورا؛ میری، سیدجواد (۱۳۹۶). تأملاتی در تعلیم و تربیت بر اساس آموزه‌های هایدر در هستی و زمان. فصلنامه غرب‌شناسی بنیادی، ۱۸ (۱)، ۷۹-۵۷.
- عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۱). هایدرگ و استعلا. تهران: انتشارات نقد فرهنگ.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۶۶). اگزستانسیالیسم و آموزش و پرورش، کیهان اندیشه، شماره ۱۳.
- قلناش، عباس، بسارده، زیبا (۱۳۹۶). اگزستانسیالیسم و تاثیر آن بر تعلیم و تربیت، سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی.
- گوتک، جرال. ال (۱۳۸۹). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. ترجمه محمدجعفر پاک سرشت. تهران: انتشارات سمت.
- معصومی فرد، مرجان (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی ماموریت‌ها، چشم‌اندازها، ویژگی‌های کلی و نحوه پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی از دور کشورهای منتخب آسیایی، نامه آموزش عالی، شماره ۳۴.
- مک کواری، جان (۱۳۸۷). فلسفه وجودی، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس.
- مقیمی عراقی، محمود (۱۳۹۱). تبیین مبانی انسان‌شناختی مفهوم مسئولیت‌پذیری در مکتب اگزستانسیالیسم و نقد دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

هایدگر، مارتین (۱۳۹۵). هستی و زمان، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.

Agger, B. (1991). Critical theory, poststructuralism, postmodernism: Their sociological relevance. *Annual Review of Sociology*, v17, pp105-131.

Allen, G. David. (1995). Hermeneutics: philosophical Traditions and Nursing Practice Research. *Nursing Science Quarterly*, 8(4), 174-182.

Angello, C. & Wema, E. (2010). Availability and usage of ICT and e-resources' by livestock researchers in Tanzania: challenges and ways forward. *International of education and development using information and communication technology*, Vol 6, issue 1, pp 1-13.

Arendt, Hannah. (2016). Denken ohne Geländer, Herausgegeben von Heidi Bohnet und Kkaus Stadler, München/Berlin, Piper Verlag.

Barrett. (1962). Irrational Man, A Study In Existential Philosophy, (New York, INC Compa-

نیچه، فردریش (۱۳۸۳). تبارشناسی اخلاق. ترجمه داریوش آشوری. تهران: انتشارات آگاه.

وارنوک، ماری (۱۳۸۸). اگزیستانسیالیسم، ترجمه حسین کاظمی، نشر شهر خورشید

ny). Berdyaev, N. (1979). Slavery and freedom, (New York, Macmillan publishing).

Gardamer, H. G. (1993). Truth and Method, 2d ed. Eds. and trans. Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall. New York: Continuum.

Haggerson, Nelson. L. (1991). Philosophical inquiry: Implicative Criticism. In: Forms of Curriculum Inquiry SUNY Series in Curriculum Issues and Inquiries. By Short, Edmund C. State University of New York Press.

Ozpolat, E. and Akar, G. B. (2009.) automatic detection of learning styles for an e-learning system, *Computers & Education* 53, p. 355-367.

Pinar, William F. & Mchniglas Douglas. (2005). The uses of Curriculum Knowledge: Notes on Hermeneutics. *International journal of Educational Research*, 23(2), 181-190.